

## روابط چندگانه سبکهای دلبستگی،

### ابعاد شخصیت و رضایت زناشویی با پیمان شکنی زناشویی

عباس سامی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۸/۰۷

علی محمد نظری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۲۸

فرشاد محسن زاده<sup>۳</sup>

مهدی طاهری<sup>۴</sup>

#### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی الگوی معادلات ساختاری پیمان شکنی زناشویی بر پایه سبکهای دلبستگی، ابعاد شخصیت و رضایت زناشویی انجام شد. روش مورد استفاده در این پژوهش همبستگی بود. نمونه پژوهش ۲۷۰ دانشجو بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب، و از آنها خواسته شد تا به پرسشنامه‌های تمایل به پیمان شکنی، سبکهای دلبستگی، ابعاد شخصیت و مقیاس رضایت زناشویی پاسخ دهند. داده‌های پژوهش با استفاده از روش معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس برازش الگوی نهایی مشخص شد که سبک دلبستگی ایمن از طریق رضایتمندی بر پیمان‌شکنی اثر منفی معنادار (اثر غیر مستقیم =  $-0.09$ ،  $P < 0.01$ ) دارد. سبک دلبستگی اجتنابی با واسطه رضایتمندی بر پیمان‌شکنی اثر (اثر غیر مستقیم =  $0.10$ ،  $P < 0.01$ ) دارد. اثر غیر مستقیم روان رنجوری (اثر غیر مستقیم =  $0.14$ ،  $P < 0.01$ ) و برونگرایی (اثر غیر مستقیم =  $0.08$ ،  $P < 0.01$ ) بر پیمان‌شکنی با نقش واسطه‌ای رضایتمندی مثبت بود. توافق پذیری (اثر غیر مستقیم =  $0.07$ ،  $P < 0.05$ ) و مسئولیت پذیری (اثر غیر مستقیم =  $0.08$ ،  $P < 0.01$ ) نیز توانست از طریق رضایتمندی بر پیمان‌شکنی اثر منفی معنادار داشته باشد. هم‌چنین روان رنجوری (اثر مستقیم =  $0.22$ ،  $P < 0.01$ )، برونگرایی (اثر مستقیم =  $0.23$ ،  $P < 0.01$ )، اشتیاق به تجربه (اثر مستقیم =  $0.16$ ،  $P < 0.05$ ) به طور مستقیم و مثبت و مسئولیت پذیری به طور مستقیم و منفی (با اثر مستقیم =  $-0.16$ ،  $P < 0.05$ ) بر پیمان‌شکنی اثر گذار بود. در راستای نتایج این پژوهش، که گویای نقش سبکهای دلبستگی، ابعاد شخصیت و رضایت زناشویی در مقوله پیمان‌شکنی زناشویی بود در نظر گرفتن این عوامل در مشاوره‌ها و آموزشهای پیش از ازدواج و پژوهشهای آینده

[meh.sami123123@gmail.com](mailto:meh.sami123123@gmail.com)

۱ - نویسنده مسئول دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه خوارزمی تهران

۲ - دانشیار گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی تهران

۳ - استادیار گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی تهران

۴ - دانشجوی دکتری روانشناسی سلامت دانشگاه خوارزمی تهران

کاربردی و اثر بخش خواهد بود.

کلید واژه‌ها: سبکهای دلبستگی، ابعاد شخصیت، رضایت زناشویی، پیمان شکنی زناشویی.

## مقدمه

پیمان شکنی مسئله تکان دهنده‌ای برای زوجها و خانواده‌ها و پدیده‌ای رایج برای درمانگران ازدواج و خانواده است (آتکینز، جاکوبسن و باکوم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). هرچند ارتباط با شخصی غیر از شریک خود ممکن است به صورت جسمانی یا عاطفی باشد، نتیجه نهایی این است که زمان صرف شده بین یکی از زوجین با فردی خارج از رابطه زناشویی برای زوجها مسئله‌ای جدی خواهد بود (گلاس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). زمانی که وقت، انرژی و منابع برای حفظ رابطه دیگر سپری شود، رابطه اولیه در میزان صمیمیت و انرژی تضعیف خواهد شد (مولتراپ، ۱۹۹۰).

ارتباط با افراد دیگر، عموماً بخش عمده‌ای از زندگی افراد را تشکیل می‌دهد. تقریباً تمامی افراد متأهل یا کسانی که با شریک جنسی خود زندگی می‌کنند، انتظار دارند شریک آنها از نظر جنسی و عاطفی به آنها وفادار باشد ولیکن میزان شیوع پیمان شکنی نیز بسیار قابل توجه است (پسترک<sup>۳</sup>، مارتین و مارتین، ۱۹۸۵؛ اسپانیر و مارگولیس<sup>۴</sup>، ۱۹۸۳؛ تریاس و گیسن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰؛ ویدرمن<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷). پیمان شکنی جنسی برای افراد در تمام سنین، یکی از عمده‌ترین دلایل شکستن قواعد ازدواج و تعهد است (شپارد، نلسون و آندروولی - ماتی، ۱۹۹۵) که بشدت بر عملکرد و ثبات رابطه اثر می‌گذارد؛ قواعد رابطه را برهم می‌زند و خلاف انتظارات طرف مقابل است (دریگوتاس، سفستروم و جنتیلیا، ۱۹۹۹؛ ویزمن، دیکسون و جانسون، ۱۹۹۷). هم‌چنین اعتمادی را که رابطه براساس آن شکل گرفته است، مخدوش می‌سازد (فلدمن و کافمن، ۱۹۹۹). این پیمان شکنی‌ها ممکن است به عنوان عامل آسان کننده عمل کند و نارضایتیهای بنیادی را در ازدواج ظاهر سازد که این مشکلات در نهایت ممکن است به طلاق منجر گردد (کاپلان و سادوک، ۲۰۰۷).

تحقیقات در زمینه پیمان شکنی حاکی است که دلایل متعددی را می‌توان برای اقدام افراد به چنین کاری در نظر گرفت که از جمله آنها می‌توان به نارضایتی از رابطه فعلی، تمایل و اشتیاق به

1 - Atkins, Jacobson & Baucom  
2 - Glass  
3 - Pestrack  
4 - Spanier & Margolis  
5 - Treas & Giesen  
6 - Wiederman

داشتن تنوع یا هیجان جنسی، انتقام، خشم یا حسادت، احساس عدم امنیت یا نامطمئن بودن در مورد رابطه، همنشینی و صمیمیت، بلوغ نایافتگی و کمبود تعهد، علاقه مفرط برای برقراری رابطه عاشقانه با فرد خارج از رابطه زناشویی، نارضایتی جنسی، افزایش عزت نفس، ناتوانی در کنترل وسوسه‌ها، در دسترس نبودن همسر و مصرف دارو یا الکل اشاره کرد (بانک، ۱۹۸۰؛ دریگوتاس و همکاران، ۱۹۹۹؛ فلدمن و کافمن، ۱۹۹۹). علاوه بر این دلایل، نوشته‌های مربوط، انگیزه‌های ارتکاب به خیانت متغیرهای دیگری را نیز مانند سن، تحصیلات، وجود فرصت‌ها، طول مدت رابطه، تاریخچه طلاق، دینی بودن، رضایت از رابطه و عوامل و ویژگی‌های شخصیتی را در این زمینه مؤثر دانسته است (آتکینز و همکاران، ۲۰۰۱). طبق پژوهش‌ها، پیمان‌شکنی عامل بیشتر طلاقها است و بشدت بر کارکرد و ثبات رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد (درایگوتس، و همکاران، ۱۹۹۹؛ ویزمن، دیکسون، و جانسون، ۱۹۹۷).

یکی از تأثیرگذارترین دیدگاه‌های نظری برای مطالعه روابط نزدیک، نظریه دلبستگی است (شاور، بلکی و برنان، ۲۰۰۰). سبکهای دلبستگی بزرگسالی در رشد دادن و حفظ پیوستگی بین فردی نقش مهمی به عهده دارد و با فرایندهای روانی وابسته به روابط صمیمانه و نیز رفتارهای مشاهده شده در این روابط، و برون‌دادهای روابط صمیمانه، که هم ذهنی است (مثل رضایت) و هم عینی (مثل جدایی یا طلاق)، قابل پیش بینی است (نوفتل و شاور، ۲۰۰۶).

سبک دلبستگی افراد، می‌تواند بر روابط آنها با افراد دیگر تأثیر فراگیری داشته باشد. افراد مختلفی که سبک دلبستگی متفاوتی دارند، تجارب مختلفی در روابط عاشقانه خویش دارند. بررسیها در مورد ویژگیهای افراد متعلق به سبکهای مختلف دلبستگی و تأثیر آن در روابط با دیگران از جمله ازدواج و روابط با همسر، گویای این است که دو شاخص ترس از طرد شدن و احساس آسودگی در روابط، عناصر مهم رفتار دلبستگی در ازدواج است به طوری که احساس آسودگی در روابط و نداشتن ترس از طرد شدن، نشان‌دهنده دلبستگی ایمن است. برخی از مطالعات گویای این است که مردانی که پیش از ازدواج، احساس آسودگی بیشتری در روابط خود داشته‌اند، بعد از ازدواج رضایت زناشویی بیشتری را گزارش کرده‌اند (عیدی و خانجانی، ۱۳۸۵).

شخصیت نقش عمده‌ای در بسیاری از زمینه‌های زندگی ایفا می‌کند (لارسن و باس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

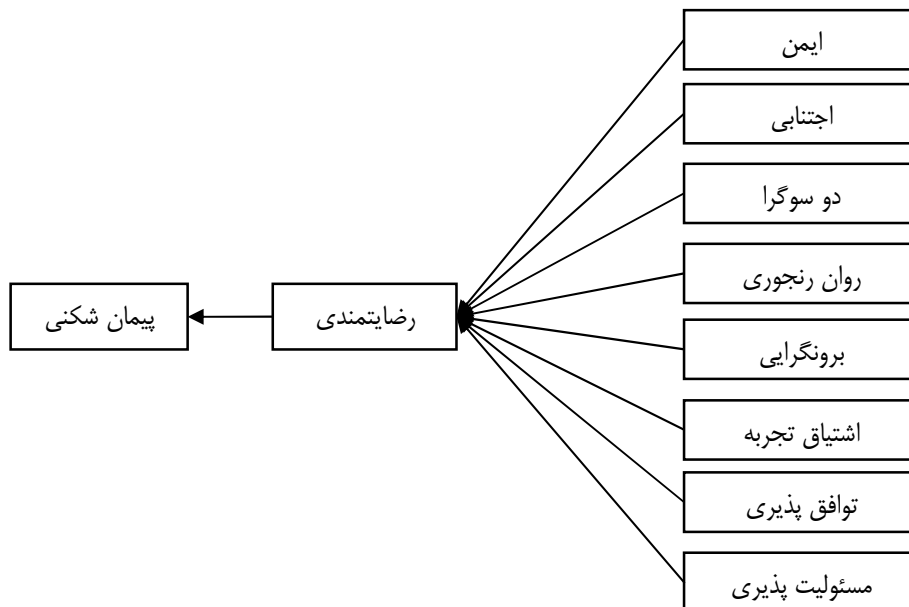
درمانگران و برخی پژوهشها، ویژگیهای شخصیتی را یکی از عوامل سببی گرایش افراد به سمت خیانت می‌دانند (باس و شکلفرد<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). امروزه الگوی پنج عاملی یکی از رویکردهای مسلط در حیطه شخصیت است که پژوهشهای زیادی را در این زمینه باعث شده است. بر اساس این الگو، نداشتن شباهت در مقیاسهای پنجگانه با خیانت و نارضایتی زناشویی مرتبط است (اورزک و لانگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). تحقیقات تجربی بسیاری نشان داده است که این الگو نه تنها ارزیابی صحیحی را از شخصیت ارائه می‌کند بلکه پیش‌بینی کننده پایداری نسبی این عاملها در طول عمر افراد نیز هست (سولدز و وایلات<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹) که این مسئله زمینه را برای پیش‌بینی رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف فراهم می‌کند (لوهلین<sup>۴</sup>، مک‌کری، کوستا، و جان<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸).

در زمینه روابط فرازناشویی برخی رویکردهای نظری هست که می‌توان بر مبنای آنها بر نقش عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی در فرایند تصمیم‌گیری فرد برای برقراری رابطه فرازناشویی با ادامه دادن آن و پایان دادن یا ماندن در روابط فعلی (زناشویی) توجه کرد. الگوی سرمایه‌گذاری<sup>۶</sup> به‌عنوان نظریه گسترش یافته نظریه وابستگی متقابل<sup>۷</sup> بین فردی مطرح می‌کند که یکی از نیروهای محوری در روابط عاشقانه احساس تعهد است. تعهد بیانگر دلبستگی روانی و تمایل به ادامه رابطه است (روزبلیت<sup>۸</sup>، ۱۹۸۰، ۱۹۸۳). سه عنصر اساسی در هر رابطه بر یکدیگر اثر می‌گذارد و باعث می‌شود که افراد به رابطه خود متعهدتر شوند و یا تعهدشان نسبت به رابطه کم شود که این عناصر عبارت است از: رضایت، کیفیت تنوع‌طلبی<sup>۹</sup> و سرمایه‌گذاری. آنچه مهم است نقش الگوی سرمایه‌گذاری در پیش‌بینی پیمان شکنی زناشویی است. این الگو پیوستگی نظری را نسبت به برخی از یافته‌های قبلی در ارتباط با خیانت ارائه، و آنها را در قالب یک الگو ارائه می‌کند. همان‌طور که پیش از این نیز ذکر شد، برخی از پژوهشها نشان می‌دهد که سطح رضایت زناشویی ضعیف با شریک کنونی زندگی و رضایت از بودن در رابطه‌ای جدید، غالباً گویای پیمان شکنی است (تیبات و کلی<sup>۱۰</sup>، ۱۹۵۹). نظریه‌های دیگری که مبنای نظری این الگو است، نظریه پنج عاملی

- 
- 1 - Shackelford
  - 2 - Orzeck & Lung
  - 3 - Soldz & vaillant
  - 4 - Lohelin
  - 5 - Mccrae, costa & john
  - 6 - Investment model
  - 7 - Interdependence theory
  - 8 - Rusbult
  - 9 - Alternative quality
  - 10 - Thibaut&kelley

شخصیت و نظریه دلبستگی است. باس و شاکفورد (۱۹۹۷) ارتباط نیرومند و مستقیمی بین شخصیت و احتمال ارتکاب به پیمان شکنی یافتند. آنها هم چنین به این نتیجه رسیدند که عامل وظیفه شناسی باثبات ترین عامل پیش بینی کننده پیمان شکنی است.

به طور کلی بررسی پیشینه پژوهش در زمینه پیمان شکنی، بیانگر رابطه منفی بین سبک ایمن، بعد شخصیتی مسئولیت پذیری و رضایت زناشویی با تمایل به پیمان شکنی و رابطه مثبت بین سبکهای ناایمن اجتنابی، دوسوگرا، ابعاد شخصیتی روان رنجوری، برونگرایی، اشتیاق به تجربه و توافق پذیری با پیمان شکنی است. در این راستا، پژوهشها بیانگر رابطه مثبت بین سبک ایمن، ابعاد شخصیتی برونگرایی، توافق پذیری، و مسئولیت پذیری با رضایت زناشویی و رابطه منفی بین سبک اجتنابی، دوسوگرا و ابعاد شخصیتی روان رنجوری با رضایت زناشویی است. هم چنین مشخص شده است که بین سبکهای دلبستگی با ابعاد مختلف شخصیتی نیز رابطه مستقیم هست. بر این اساس، این پژوهش با هدف شناسایی روابط ساختاری سبکهای دلبستگی، ابعاد شخصیت، رضایت زناشویی با پیمان شکنی و بررسی میزان حمایت از الگوی مفهومی ارائه شده در زمینه تمایل به پیمان شکنی (شکل ۱) انجام شد.



شکل ۱: الگوی مفهومی روابط ساختاری سبکهای دلبستگی، ابعاد شخصیت و رضایت زناشویی با تمایل به

پیمان شکنی

## روش

جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بود که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ در یکی از دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل بودند. از بین جامعه دانشجویان متأهل ۲۷۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله انتخاب شدند که از این تعداد، ۱۷۴ نفر زن و ۹۶ نفر مرد بودند. دانشجویان انتخاب شده در دانشگاه‌های تهران (۵۸ نفر)، علامه طباطبایی (۴۹ نفر)، خوارزمی (۵۶ نفر)، تربیت مدرس (۵۳ نفر) و شهید بهشتی (۵۴ نفر) مشغول به تحصیل بودند. دامنه سنی آزمودنیها بین ۲۱ تا ۶۰ سال با میانگین ۳۲ و انحراف استاندارد ۱۲/۲۲ بود. در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

الف - مقیاس سبکهای دلبستگی: این مقیاس، که توسط کولینز ساخته شد، شامل خود ارزیابی از مهارتهای ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است و شامل هیجده گویه است که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس پنج درجه‌ای از نوع لیکرت از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» تشکیل می‌شود. این پرسشنامه شامل سه خرده مقیاس وابستگی، نزدیک بودن و اضطراب است. در این پژوهش پایایی پرسشنامه با استفاده از روش همسانی درونی محاسبه شد که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۱ بود.

ب - مقیاس پنج عاملی شخصیت: این پرسشنامه شامل ۶۰ سؤال است که براساس تحلیل عاملی نمره‌های NEO-PI که در سال ۱۹۸۶ اجرا شده بود، تهیه شده است. پرسشنامه NEO-FFI در ایران توسط گروسی (۱۳۸۷) هنجاریابی شده است. اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش آزمون - آزمون دوباره در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله سه ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ برای عوامل C، A، O، E، N به دست آمده است. ضریب پژوهش، پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش همسانی درونی محاسبه شد که ضریب آلفای کرونباخ کلی آن برابر ۰/۸۳ بود.

ج - مقیاس رضایت زناشویی: این پرسشنامه شامل ۳۵ گویه است و توسط السون برای بررسی رضایت زناشویی ساخته شده است؛ شامل چهار خرده مقیاس تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، ارتباطات و حل تعارض و نمره‌گذاری آن به صورت لیکرت از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» است (آسوده و همکاران، ۱۳۸۹). در ایران این پرسشنامه روی ۳۶۵ زوج هنجار شد. ضریب آلفای پرسشنامه برای خرده مقیاسهای رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض و تحریف آرمانی به ترتیب

۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۸۳ و اعتبار باز آزمایی پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۹۰، و ۰/۹۲ است (اولسون و اولسون، ۲۰۰۰). ضریب اعتبار آلفای کرونباخ این پرسشنامه در این پژوهش برای رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض، و تحریف آرمانی به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۶، ۰/۷۲، ۰/۷۵ به دست آمده است.

د - پرسشنامه تمایل به پیمان شکنی: این مقیاس یک ابزار یازده سؤالی است که توسط دریگوتاس (۱۹۹۹) ساخته شده است و با ارزیابی شدت رابطه فرد با شخصی خارج از رابطه زناشویی، خیانت فیزیکی، شناختی و عاطفی را می سنجد؛ دارای سه خرده مقیاس خیانت جنسی، خیانت عاطفی، و خیانت شناختی است و نمره گذاری آن به صورت لیکرت از «صفر» تا «۸» است. ضریب پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۳. و روایی آن همبستگی بین نمره های آزمودنیها در این مقیاس با رفتار خیانت آمیز برابر ۰/۸ به دست آمده است (دریگوتاس، ۱۹۹۹). در این پژوهش نیز از طریق همسانی درونی پایایی این پرسشنامه محاسبه شد که ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۸۶ به دست آمد. داده های این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS و روش الگویابی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### یافته ها

میانگین، انحراف استاندارد، کمینه، بیشینه، کجی و کشیدگی سبکهای دلبستگی، ابعاد شخصیت، رضایت زناشویی و پیمان شکنی در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱: شاخصهای توصیفی سبکهای دلبستگی، ابعاد شخصیت، رضایت زناشویی و پیمان شکنی (n=۲۷۰)

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	کجی	کشیدگی
پیمان شکنی	۴۴/۲۵	۱۹/۷۲	۳	۸۷	-۰/۰۹	-۰/۷۰
رضایتمندی	۱۱۶/۶۱	۱۴/۳۷	۷۷	۱۴۷	-۰/۴۲	۰/۱۸۷
ایمن	۱۷/۰۲	۴/۳۷	۶	۲۴	-۰/۳۵	-۰/۰۲
اجتنابی	۱۲/۸۱	۳/۹۵	۵	۲۱	-۰/۰۶	-۰/۸۵
دوسوگرا	۱۰/۶۴	۵/۴۰	۵	۲۲	۰/۰۲	-۰/۷۹
روان رنجوری	۳۵/۳۰	۷/۵۶	۲۲	۵۳	۰/۵۲	-۰/۱۵
برونگرایی	۴۰/۰۱	۷/۳۴	۲۳	۵۶	-۰/۲۲	۰/۹۱
گشودگی	۳۷/۹۳	۴/۱۷	۲۵	۵۰	۰/۰۴	۰/۸۹
نرم خوبی	۴۴/۱۱	۶/۰۹	۲۳	۵۶	-۰/۰۵	۰/۲۰
وظیفه شناسی	۴۵/۳۹	۷/۳۲	۱۹	۶۰	-۰/۰۶	۰/۸۲

همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، همبستگی عامل پیمان شکنی با رضایتمندی زناشویی، سبک ایمن و بعد مسئولیت پذیری منفی و معنادار و با سبکهای اجتنابی، دوسوگرا و ابعاد روان رنجوری، برونگرایی، اشتیاق به تجربه و توافق پذیری مثبت و معنادار است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی سبکهای دلبستگی، ابعاد شخصیت، رضایت زناشویی و پیمان شکنی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱ - پیمان شکنی	۱									
۲ - رضایتمندی	۰/۳۶**	۱								
۳ - ایمن	۰/۱۳*	۰/۳۷**	۱							
۴ - اجتنابی	۰/۰۳	۰/۴۵**	۰/۳۲**	۱						
۵ - دوسوگرا	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۳۵**	۰/۲۴**	۱					
۶ - روان رنجوری	۰/۳۲**	۰/۵۵**	۰/۲۷**	۰/۴۳**	۰/۲۴**	۱				
۷ - برونگرایی	۰/۳۱**	۰/۲۱**	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۱۳*	۰/۰۳	۱			
۸ - اشتیاق به تجربه	۰/۱۴*	۰/۱۶**	۰/۱۴*	۰/۲۱**	۰/۱۳*	۰/۱۷*	۰/۱۰	۱		
۹ - توافق پذیری	۰/۰۴	۰/۱۸**	۰/۴۲**	۰/۳۸**	۰/۲۳**	۰/۳۴**	۰/۰۲	۰/۰۸	۱	
۱۰ - وجدان	۰/۲۱**	۰/۳۹**	۰/۲۸**	۰/۱۱*	۰/۲۶**	۰/۳۸**	۰/۰۴	۰/۱۰	۰/۲۳**	۱

\*:  $P < 0.05$

\*\* :  $P < 0.01$

$n=270$

به منظور آزمون برازش الگوی مفروض با داده‌ها و نیز برآورد ضرایب اثر مستقیم، غیر مستقیم و کل از شیوه تحلیل مسیر با روش بیشینه احتمال و برای برآورد ضرایب اثر و شاخصهای برازش الگو در نرم‌افزار ایموس ۱۸ (آریاکل، ۲۰۰۹)، از نسبت مربع کای با درجه آزادی  $(X^2/df)$ ، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل یافته برازندگی (AGFI) و ریشه دوم برآورد تغییرات خطای تقریب (RMSEA) استفاده شد.

همان گونه که در بخش شاخصهای توصیفی اشاره شد، توزیع تمامی متغیرها نزدیک به نرمال بود؛ بنابراین فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها رعایت شد. حجم نمونه کافی نیز به عنوان یکی از موارد مهم در الگویابی مورد توجه قرار گرفت. هومن دست کم ۲۰۰ نفر را به عنوان نمونه مورد نیاز بیان می‌کند (هومن، ۱۳۸۸). در جدول ۳ شاخصهای برازندگی الگوی مفهومی پژوهش ارائه



شده است.

جدول ۳: شاخصهای آماری برازش الگو

X2	df	p	X2/df	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
۴/۱۸	۴	$P > 0.05$	۱/۰۵	۱	۰/۹۹	۰/۹۶	۰/۰۱

بر اساس جدول مشخص می‌شود که نسبت مربع کای به درجه آزادی ( $X^2/df$ )، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل یافته برازندگی (AGFI) و ریشه دوم براورد تغییرات خطای تقریب (RMSEA) در حد مطلوب است. بر اساس این شاخصها می‌توان نتیجه گرفت که الگوی مفروض برازش بسیار خوبی با داده‌ها دارد (هومن، ۱۳۸۸).

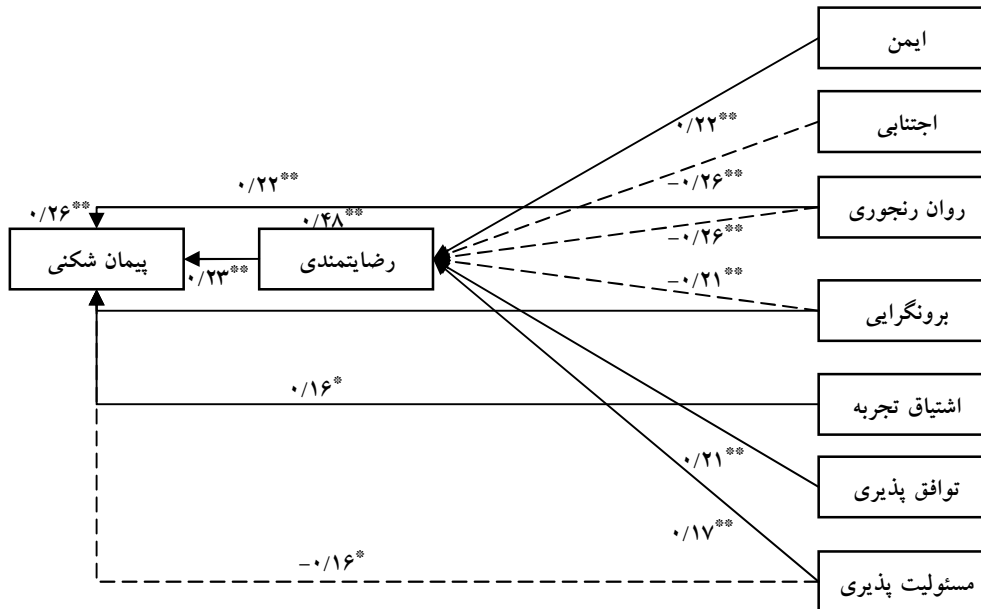
جدول ۴: ضرایب استاندارد شده مستقیم، غیر مستقیم و کل به همراه ضریب تبیین مربوط به هر متغیر درونزاد

ضریب تبیین	اثر کل	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	مسیرها
۰/۴۸	بر رضایتمندی از:			
	۰/۲۲**	-	۰/۲۲**	ایمن
	-۰/۲۶**	-	-۰/۲۶**	اجتنابی
	-۰/۳۵**	-	-۰/۳۵**	روان رنجوری
	-۰/۲۱**	-	-۰/۲۱**	برونگرایی
	-	-	-	اشتیاق به تجربه
	۰/۱۷**	-	۰/۱۷**	توافق پذیری
	۰/۲۱**	-	۰/۲۱**	مسئولیت پذیری
۰/۲۶	بر روی پیمان شکنی از:			
	-۰/۳۹**	-	-۰/۳۹**	رضایتمندی
	-۰/۰۹**	-۰/۰۹**	-	ایمن
	۰/۱۰**	۰/۱۰**	-	اجتنابی
	۰/۳۶**	۰/۱۴**	۰/۲۲**	روان رنجوری
	۰/۳۱**	۰/۰۸**	۰/۲۳**	برونگرایی
	۰/۱۶*	-	۰/۱۶*	اشتیاق به تجربه
	-۰/۲۳**	-۰/۰۷*	-۰/۱۶*	توافق پذیری
-۰/۰۸**	-۰/۰۸**	-	مسئولیت پذیری	

\* :  $P < 0.05$  ، \*\* :  $P < 0.01$ .

در جدول شماره ۴ ضرایب استاندارد شده مستقیم، غیر مستقیم و کل به همراه ضریب تبیین مربوط به هر متغیر درونزاد آورده شده است. طبق این جدول سبک دل بستگی ایمن از طریق رضایتمندی بر پیمان شکنی اثر منفی معنادار داشت (اثر غیر مستقیم =  $-0/09$ ،  $P < 0/01$ ). سبک دل بستگی اجتنابی نیز با واسطه رضایتمندی توانست بر پیمان شکنی اثر داشته باشد (اثر غیر مستقیم =  $0/10$ ،  $P < 0/01$ ). اثر سبک دل بستگی اجتنابی بر پیمان شکنی مثبت است و نشان می دهد با افزایش نمره در سبک دل بستگی اجتنابی نمره های پیمان شکنی افزایش می یابد. سبک دل بستگی دو سوگرا بر پیمان شکنی (و رضایتمندی) اثر معناداری نداشت و به همین دلیل از الگو کنار گذاشته شد. بنابراین یافته ها رضایتمندی می تواند رابطه بین سبک دل بستگی ایمن و اجتنابی را با پیمان شکنی میانجی گری کند. قابل ذکر است که در تأیید فرضیه محقق، سبکهای دل بستگی ایمن و اجتنابی بر پیمان شکنی اثر مستقیم نداشت. پیشتر در بخش تحلیلهای همبستگی متقابل دیدیم که بین سبکهای دل بستگی و پیمان شکنی رابطه بود؛ اما این روابط مستقیم با در نظر گرفتن نقش واسطه رضایتمندی از بین رفت. این یافته ها به روشنی تأیید می کند که اثر سبکهای دل بستگی بر پیمان شکنی نه به طور مستقیم بلکه با نقش واسطه ای رضایتمندی صورت می گیرد. اثر غیر مستقیم روان رنجوری (اثر غیر مستقیم =  $0/14$ ،  $P < 0/01$ ) و برونگرایی (اثر غیر مستقیم =  $0/08$ ،  $P < 0/01$ ) بر پیمان شکنی با نقش واسطه ای رضایتمندی مثبت بود. توافق پذیری (اثر غیر مستقیم =  $0/07$ ،  $P < 0/05$ ) و مسئولیت پذیری (اثر غیر مستقیم =  $0/08$ ،  $P < 0/01$ ) نیز توانست از طریق رضایتمندی بر پیمان شکنی اثر منفی معنادار داشته باشد. قابل توجه است که اشتیاق به تجربه نتوانست بر پیمان شکنی تأثیر غیر مستقیمی داشته باشد.

علاوه بر این تأثیرات غیر مستقیم در الگوی برآزش یافته و پس از اعمال شاخصهای اصلاحی، تأثیرات مستقیم برخی از عوامل شخصیت نیز بر پیمان شکنی معنادار بود. روان رنجوری (اثر مستقیم =  $0/22$ ،  $P < 0/01$ )، برونگرایی (اثر مستقیم =  $0/23$ ،  $P < 0/01$ )، اشتیاق به تجربه (اثر مستقیم =  $0/16$ ،  $P < 0/05$ ) توانست به طور مستقیم و مثبت و مسئولیت پذیری به طور مستقیم و منفی (با اثر مستقیم =  $-0/16$ ،  $P < 0/05$ ) بر پیمان شکنی اثرگذار باشد. به منظور درک بهتر روابط درون الگو، نمودار الگوی برآزش یافته در ادامه آورده شده است (شکل، ۲).



شکل ۲: مسیرهای الگوی برازش یافته با ضرایب استاندارد ( $P < 0.05$ : \* .  $P < 0.01$ : \*\*)

توجه: مسیرهای نقطه چین در نمودار نماینده اثر منفی و اعداد روی خطوط مسیر و روی مستطیل‌ها به ترتیب، ضریب اثر و ضریب تبیین است.

### بحث

این پژوهش با هدف الگویابی ارتکاب به پیمان شکنی بر پایه سبکهای دلبستگی، ابعاد پنجگانه شخصیتی و رضایت زناشویی انجام شد. نتایج نشان داد که الگوی فرضی پژوهش بین جامعه دانشجویان از برازش بسیار مناسبی برخوردار است. این یافته پژوهش، که سبکهای دلبستگی بر تمایل به پیمان شکنی تأثیر معناداری دارد با یافته‌های پژوهش باس و شاکلفرد (۱۹۹۷) همخوانی دارد. یکی از فرضیه‌های پژوهش بیانگر رابطه بین سبکهای دلبستگی و رضایت زناشویی بود. رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با رضامندی مثبت و معنادار و رابطه بین سبک اجتنابی و رضایت زناشویی منفی و معنادار بود. اما بین سبک دوسوگرا با رضایت‌مندی رابطه معناداری مشاهده نشد که این مسئله می‌تواند به وجود مردان در گروه نمونه برگردد؛ چرا که بنا بر گفته سیمپسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۰)

دل بستگی دوسوگرا با رضایت از رابطه نیز به طور منفی ارتباط دارد، اما تأثیر آن تنها بر زنان است و این تأثیر در مردان کمتر است و یا اصلاً نیست؛ لذا در پژوهش تنها سبک دل بستگی ایمن و اجتنابی با رضایت رابطه داشت. در این راستا، مطالعات مختلفی رابطه بین سبک‌های دل بستگی و رضایت زناشویی را تأیید کرده است (کرلی، ۱۹۹۸؛ به نقل از عیدی و خانجانی، ۱۳۸۵؛ کولینز و رید، ۱۹۹۰؛ عطاری و همکاران، ۱۳۸۵؛ حفاظی طرقله و همکاران، ۱۳۸۵؛ رجایی، نیری و صداقتی، ۱۳۸۶؛ فرایگر، ۲۰۰۶). یافته‌های این پژوهشها نیز در تأیید الگوی تبیینی بیان می‌کند که سطح رضایت زناشویی افراد با سبک دل بستگی خود فرد و سبک دل بستگی همسرش قابل پیش‌بینی است.

فرضیه دیگر پژوهش، که رابطه بین ابعاد شخصیت با رضایت زناشویی را بررسی می‌کرد، کاملاً مورد تأیید قرار گرفت. بررسی دقیق الگوی تبیینی ما در این پژوهش نشان می‌دهد که عامل روان رنجوری و برونگرایی با رضایت زناشویی رابطه منفی و معنادار و اشتیاق به تجربه، توافق پذیری و مسئولیت پذیری نیز با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار دارد. در تبیین این روابط می‌توان گفت که عوامل شخصیتی نسبت به عوامل اجتماعی بر رضایت زناشویی تأثیر عمیقتری دارد و هر فرد تاریخچه شخصی و روانشناختی منحصر به فردی را در موقعیت زناشویی وارد می‌کند. این تاریخچه الگوهای آموخته شده فرد، می‌تواند رضایت زناشویی را کاهش دهد و یا آن را آسان سازد. در این راستا، بسیاری از پژوهشها، مشکلات شخصیتی را مهمترین عامل نارضایتی و ناسازگاری زناشویی معرفی کرده است. با توجه به پژوهش محمدزاده ابراهیمی، رحیمی پردنجانی، جمهری و برجعلی (۱۳۸۹) نیز بین ویژگیهای شخصیتی و سازگاری زناشویی رابطه نیرومندی هست.

فرضیه دیگر پژوهش به بررسی رابطه بین رضایت زناشویی با پیمان شکنی پرداخت که در این پژوهش پس از اینکه رابطه متقابل این دو متغیر به روش گشتاوری پیرسون محاسبه شد، معلوم گردید که رضایت زناشویی با پیمان شکنی رابطه منفی و معنی داری دارد که این یافته مؤید این فرضیه پژوهش است. یکی دیگر از فرضیه‌های پژوهش، بررسی تأثیر سبک‌های دل بستگی بر پیمان شکنی زناشویی از طریق متغیر میانجی رضایت زناشویی بود که مورد تأیید قرار گرفت. مسیرهای معنادار الگو نشان می‌دهد که (ضمن حذف سبک دوسوگرا از الگو به دلیل معنادار نبودن آن)، سبک دل بستگی ایمن از طریق میانجی‌گری رضایت زناشویی به طور غیرمستقیم اثر منفی و معناداری با پیمان شکنی دارد و در مقابل، سبک ناایمن اجتنابی از طریق واسطه‌گری متغیر رضایت

زناشویی به طور غیر مستقیم اثر مثبت و معناداری با پیمان شکنی دارد. ضرایب اثر در الگو، فرضیه پژوهش را مبنی بر نقش میانجی گری متغیر رضایت زناشویی بر پیمان شکنی تأیید می کند. در این راستا، سبک دلبستگی ایمن از طریق رضایت زناشویی بر پیمان شکنی اثر منفی معنادار داشت (اثر غیر مستقیم =  $-0/09$ ،  $P < 0/01$ ). سبک دلبستگی اجتنابی نیز با واسطه رضایتمند توانست بر پیمان شکنی اثر داشته باشد (اثر غیر مستقیم =  $0/10$ ،  $P < 0/01$ ). اثر سبک دلبستگی اجتنابی بر پیمان شکنی مثبت است و نشان می دهد با افزایش نمره در سبک دلبستگی اجتنابی، نمره های پیمان شکنی افزایش می یابد. سبک دلبستگی دو سوگرا بر پیمان شکنی (و رضایتمندی) اثر معناداری نداشت و به همین دلیل از الگو کنار گذاشته شد. بنابراین یافته ها، رضایتمندی می تواند رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی با پیمان شکنی را میانجی گری کند. قابل ذکر است که در تأیید فرضیه پژوهش، سبکهای دلبستگی ایمن و اجتنابی بر پیمان شکنی اثر مستقیم نداشت. همان طور که در بخش تحلیل های همبستگی متقابل مطرح شد، بین سبکهای دلبستگی و پیمان شکنی رابطه بود؛ اما این روابط مستقیم با در نظر گرفتن نقش واسطه رضایتمندی از بین رفت. این یافته ها به روشنی تأیید می کند که اثر سبکهای دلبستگی بر پیمان شکنی نه به طور مستقیم بلکه با نقش واسطه ای رضایتمندی صورت می گیرد.

عوامل شخصیتی از طریق اثری که بر رضایتمندی دارد به طور غیر مستقیم پیمان شکنی را تحت تأثیر قرار می دهد. یافته های پژوهش این فرض را نیز تأیید کرد. اثر غیر مستقیم روان رنجوری (اثر غیر مستقیم =  $0/14$ ،  $P < 0/01$ ) و برونگرایی (اثر غیر مستقیم =  $0/08$ ،  $P < 0/01$ ) بر پیمان شکنی با نقش واسطه ای رضایتمندی مثبت بود. توافق پذیری (اثر غیر مستقیم =  $0/07$ ،  $P < 0/05$ ) و مسئولیت پذیری (اثر غیر مستقیم =  $0/08$ ،  $P < 0/01$ ) نیز توانست از طریق رضایتمندی بر پیمان شکنی اثر منفی معنادار داشته باشد. قابل توجه است که اشتیاق به تجربه نتوانست تأثیر غیر مستقیمی بر پیمان شکنی داشته باشد. علاوه بر این تأثیرات غیر مستقیم در الگوی برازش یافته و پس از اعمال شاخص های اصلاحی، تأثیرات مستقیم برخی از عوامل شخصیت نیز بر پیمان شکنی معنادار بود. روان رنجوری (اثر مستقیم =  $0/22$ ،  $P < 0/01$ )، برونگرایی (اثر مستقیم =  $0/23$ ،  $P < 0/01$ )، اشتیاق به تجربه (اثر مستقیم =  $0/16$ ،  $P < 0/05$ ) و توافق پذیر (اثر مستقیم =  $-0/16$ ،  $P < 0/05$ ) توانست به طور مستقیم نیز بر پیمان شکنی اثر گذار باشد. با اینکه این الگو از برازش خوبی برخوردار بود، نتوانست کل واریانس پیمان شکنی را تبیین کند. در این راستا پیشنهاد می شود که با بررسی کامل متغیرهای مربوط در پژوهش های آینده متغیرهای مهم دیگر نیز در الگوها آورده

شود. هم چنین با توجه به اینکه این پژوهش در موقعیت زمانی، مکانی و جمعیتی مشخصی انجام شده است، پیشنهاد می شود در تعمیم نتایج، تمامی جوانب مد نظر قرار گیرد.

### منابع

- آسوده، م. ح. (۱۳۸۹). فاکتورهای ازدواج موفق از دیدگاه زوجین خوشبخت. پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشگاه تهران. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- حفاظی طریقه، م.؛ فیروزآبادی، ع.؛ حق شناس، ح. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین اجزا عشق و رضایتمندی زوجی، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. س ۱۶. ش ۵۴: ۱۰۹ - ۹۹.
- رجایی، ع.، نیری، م.؛ صداقتی، ش. (۱۳۸۶). سبک‌های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی). ۳(۱۲): ۳۴۷-۳۵۶.
- عطاری، ی.؛ مهربانی زاده،؛ امان الهی، ع.؛ تکویی، س. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیت با رضایت زناشویی در کارکنان زن اداره دولتی شهر اهواز. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران. دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- عیدی، ر.؛ خانجانی، ز. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر سبک‌های دلبستگی بر میزان رضایت زناشویی زوجین. مجله روانشناسی دانشگاه تبریز: ۲۰۱ - ۱۷۵.
- گروسی فرشی، م. (۱۳۷۷). هنجاریابی آزمون شخصیتی NEOPI-R و بررسی تحلیلی ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. پایان نامه دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- محمد زاده ابراهیمی، ع.؛ رحیمی پردنجانی، ط.؛ جمهری، ف.؛ برجعلی، ا. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایتمندی زناشویی. فصلنامه تازه‌های مشاوره. ج ۹. ش ۳۳.
- هومن، ح. ع. (۱۳۸۸). ماهیت روش‌های نوین پژوهش. نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی. ش ۴۳: ۲۱ - ۱۴.
- Arbuckle, J. (2009). Amos 18 User's Guide. Publisher, SPSS Incorporated, ISBN. 1568274041, 9781568274041.
- Atkins, D.C. Jacobson, N.S. & Baucom, D.H. (2001). Understanding Infidelity: Correlates in a National Random Sample. Journal of Family Psychology. 15, 735-749.
- Buss, D.M. & Shackelford, T.K. (1997). Susceptibility to infidelity in the first year of marriage. Journal of Research and Personality. 31, 193-221.
- Buunk, B.P. (1980). Extramarital sex in the Netherlands. Alternative Lifestyles. 3, 11-39.
- Collins, N.L. & Read, S.J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. Journal of Personality and Social Psychology. 58, 644-663.
- Drigotas, S.M., Safstrom, C.A. & Gentilia, T. (1999). An investment model prediction of dating infidelity. Journal of Personality & Social Psychology. 77, 509-524.
- Feldman, S.S. & Cauffman, E. (1999). Your cheatin' heart: Attitudes, behaviours, and correlates of sexual betrayal in late adolescents. Journal of Research on Adolescence. 9, 227-253
- Fowers B. J. Olson D. H. (1989). ENRICH Marital Inventory: A Discriminant Validity and Cross-Validity Assessment. Journal Marital and family Therapy. 15.65-79

- Fricker, J. (2006). Predicting Infidelity: The Role of Attachment Styles, Lovestyles, and the Investment Model. (Unpublished doctoral dissertation). Swinburne University of Technology.
- Glass, S.P. (2002). Couple therapy after the trauma of infidelity; Clinical handbook of couple therapy. New York: Guilford Press: (pp. 488–507).
- Kaplan, benyamin & sadock, virginia. (2007). Pocket handbook of clinical psychiatry. New York: Guilford Press.
- Larsen, R.J. & Buss, D.M. (2002). Personality psychology: Domains of Knowledge About Human Nature. Boston: McGraw-Hill.
- Loehlin, J.c. McCrae, R.R. Costa, P.T. Jr. & Jhon, O.p. (1998). Heritabilities Of comon and measure specific components of the Big five personality factors. Journal of research in personality. 32:431-453.
- Moultrup, D.J. (1990). Husbands, wives, and lovers: The emotional system of the extramarital affair. New York: The Guilford Press.
- Noftle E.E. Shaver P.R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: associations and comparative ability to predict relationship quality. Journal of Research in Personality. 40:179–208.
- Olson, D H. & Olson, A. (2000). Preventive approaches in Couple Therapy. New York: talor and francis pub.
- Orzeck, T. & Lung, E. (2005). Big-five personality differences of cheaters and noncheaters. Current Psychology: Developmental, Learning, Personality. 24, 274-286.
- Pesttrack, V.A. Martin, D. & Martin, M. (1985). Extramarital sex: An examination of the literature. International Journal of Family Therapy. 7, 107-115.
- Rusbult, C.E. (1980). Commitment and satisfaction in romantic associations: Atest of the onvestment model. Journal of Experimental Social Psychology. 16, 172-186.
- Rusbult, C.E. (1983). A longitudinal test of the investment model: The development (and deterioration) of satisfaction and commitement in heteresexual involvement. Journal of Personality and Social psychology. 45, 101-117.
- Shackelford, T.K. Besser, A. & Goetz, A.T. (2007). Personality, Marital Satisfaction, and Probability of Marital Infidelity. Journal of Individual Differences Research.
- Shaver. P.R, bellky, p. & brennan. K.A. (2000). Attachment styles and the Big five personality traits. Personality and social psychology bulletin. 18, 536-545.
- Sheppard, V.J. Nelson, E.S. Andreoli-Mathie, V. (1995). Dating relationships and infidelity: Attitudes and behaviors. Journal of Sex & Marital Therapy. 21, 202-212.
- Simpson, J. A. (1990). Influence of attachment styles on romantic relationships. Journal of Personality and Social Psychology, 59, 971-980.
- Soldz, S. & Vaillant, G.E. (1999). The Big Five Personality traits and the life course: A 45-yearlongitudinal study. Journal of Reasearch In Personality. 33,208-232.
- Spanier, G.B. & Margolis, R.L. (1983). Marital separation and extramarital sexual behavior. Journal of Sex Research. 19, 23-48.
- Thibaut, J.w. & Kelly, H.H. (1959). The social psychology of groups. New York: Wiley press.
- Treas, J. & Giesen, D. (2000). Sexual infidelity among married and cohabitating America. Journal of Marriage and the Family. 62, 48-60.
- Whisman, M.A. Dixon, A.E. & Johnson, B. (1997). Therapists' perspectives of couple problems and treatment issues in couple therapy. Journal of Family Psychology. 11,361-366.
- Wiederman, M.W. (1997). Extramarital sex: Prevalence and correlates in a national survey. The Journal of Sex Research. 34, 167 -174.